

ادامه از صفحه ۷

ماژن خوب نداریم

لا یعنی انتقاداتی که به آقای طبعی وارد می‌کردید راجع به کارگیری نیروها بود؟ من اعتقاد داشتم کسانی که به نظام و ولایت فقیه معتقد و متدین هستند و در کاری که به آنها محول می‌شود تخصص و کارایی دارند، فارغ از گرایش سیاسی آنها باید از آنان در معاونت‌ها و فرمانداری‌ها و ادارات کل استفاده کنم. آن زمان مرحوم طبعی به‌شدت نسبت به بعضی از جریان‌ها حساسیت داشت، من بارها در جلسات به ایشان می‌گفتم شما پدر استان هستید، نماینده رهبری هستید و باید چتر حمایت‌تان را آن‌قدر باز کنید که همه را تحت پوشش قرار دهید نه اینکه خودشان یک‌طرف قضایا قرار بگیرند. بارها دراین‌باره صحبت کردیم و خب ایشان نظر خودشان را داشتند.

لا شورش‌های مشهد زمان حضور شما در استانداری خراسان شکل گرفت؟ منشأ آن چه بود؟

دلیل آن هم حاشیه‌نشینانی در مشهد است، مشهد بعد از تهران بزرگ‌ترین شهری است که درگیر حاشیه‌نشینانی است. افراد از روستاها و شهرهای دیگر به آنجا کوچ می‌کنند و بضاعت مالی برای خرید منزل ندارند، معمولا اطراف مشهد، زمینی را تصرف و آب و برق آن را هم به طور غیرقانونی تأمین می‌کرد. این معضل بزرگی است؛ چه برای تهران، چه برای مشهد و چه برای شهرهای دیگر. شهرداری مشهد برای مقابله با این امر، معمولا گشت‌های شهرداری را به اطراف شهر می‌فرستاد تا خانه‌هایی را که با تخلف ساخته شده خراب کنند. یک بار که ماشین شهرداری برای تخریب خانه حاشیه‌نشین‌ها رفته بود تا جلو این کار غیرقانونی را بگیرد، آنها تصمیم گرفته بودند که برخود کنند، همین کار را هم انجام دادند و ماشین شهرداری را واژگون کرده و آن را آتش زدند. زمان رویداد این اتفاق، مدارس تعطیل شد. دانش‌آموزان هم‌زمان دور ماشین جمع شدند و افرادی دیگر هم به آنها پیوستند. ما در استانداری از این ماجرا بی‌خبر بودیم. نیروی انتظامی یک اتوبوس نیرو به محل وقوع حادثه فرستاد تا تجمع را متفرق کند. آنها برای این کار از گاز اشک‌آور استفاده کردند. از آنجا که باد به جهت مخالف می‌وزید، گاز اشک‌آور به طرف نیروی انتظامی بازگشت. نیروها هم برای اینکه خودشان سالم بمانند به اتوبوس‌ها هجوم بردند و پیچه‌های هم که آنجا جمع شده بودند، سربازها را «هو» کردند. نیروی انتظامی ابتدا شورش به تیراندازی هوایی کرد. در این میان یک سرباز با درجه‌دار به سمت افراد تیراندازی کرده بود و دو نفر از دانش‌آموزان کشته شدند. همه این اتفاقات در دو ساعت رخ داد. وقتی این دو دانش‌آموز کشته می‌شوند مردم پیکرهای آنان را سر دست گرفته و به سمت مرکز شهر حرکت می‌کنند. من زمانی متوجه این اتفاق شدم که مردم به سمت مرکز شهر راه افتاده بودند. در این شرایط امکان اینکه جلسه شورای تأمین استان را برگزار کنیم، نبود. مسئولان نظامی را هم پیدا نمی‌کردیم، فرمانده ارتش رفته بود دندان پزشکی، فرمانده سپاه جای دیگری بود. بنابراین مردم همین‌طور به حرکت خود ادامه دادند و در مسیر، برخی از ارادل و ابواش هم به آنان پیوستند، این جمعیت در طول مسیر مغازه‌های مردم را غارت کردند. بعد هم به یک پاسگاه نیروی انتظامی حمله کردند. مأموران نیروی انتظامی از فرط رعب و وحشت، تسلیم شدند. جمعیت سپس به سمت مرکز شهر یعنی میدان شهدا آمدند و اداره کل دادگستری را هم به تسخیر خود درآوردند. حتی یک قسمت اداره دادگستری را آتش زدند. ساعت حدودا هفت یا هفت و سی دقیقه شب بود، نیروی انتظامی هم خود را باخته بود، سپاه و ارتش هم در آن فاصله به این راحتی نمی‌توانستند نیرو جمع کنند. نهایتا اوایل شب بود که به صداوسیما رقم و اعلام کردم عده‌ای در حال تخریب شهر هستند، از نیروهای بسیجی و حزب‌الله خواستم که وارد شوند و جلوی این ابواش را بگیرند. بعد از این اعلام، مردم به مرکز تجمع رفتند. حدود ۸۰۰ نفر از تجمع‌کنندگان را دستگیر کردند و به استانداری آوردند. چشمان آنها را بستند و بعدا به زندان منتقل کردند. اگرچه مشخص شد که این حادثه در اثر بی‌توجهی نیروی انتظامی و مأموران‌اش اتفاق افتاده، اما چون من مسئول استان بودم، کل مسئولیت این اتفاق را پذیرفتم و بعد هم استان را رها کردم.

لا یعنی استعفا دادید؟

لا به این فکر نکردید که با آن حاشیه‌نشین‌ها صحبت کنید؟

آن زمان، دیدگاه‌های مختلفی وجود داشت؛ عده‌ای می‌گفتند اینها گروهک‌های چپ با منافقین هستند. اتفاقاً آقای دکتر روحانی آن زمان دبیر شورای عالی امنیت ملی بود و آقای سرتیپ سهرابی هم فرماندهی نیروی انتظامی را بر عهده داشت. این دو نفر، روز بعد از حادثه به مشهد آمدند. با همراهی هم به زندان‌ها سرکشی کردیم و شخص دکتر روحانی با خیلی از بازداشتی‌ها صحبت کرد. وزارت اطلاعات حدود دو ماه از این‌ها بازداشتی‌ها بازجویی می‌کرد و نهایتا در گزارشی که آقای فلاحیان از این اتفاق تهیه کرد، تأکید شده بود که هیچ‌کدام از بازداشتی‌ها وابستگی گروهی و گروهکی ندارند. حتی در بین آنها از خانواده شهید و جانبازان هم بودند. بیشتر مشکلات اقتصادی و اجتماعی باعث این اتفاق شد. من همان زمان هم پیش‌بینی می‌کردم این امر در سایر مناطق هم که مشکلات مشابهی دارد، تکرار شود که اتفاق هم افتاد؛ در اکبرآباد تهران و اراک هم چنین اتفاقی رخ داد. الان هم مشکل حاشیه‌نشین‌های مشکلی جدی برای دولت است.

politics@sharghdaily.ir

شرق، مهسا جزینی: محمدجواد لاریجانی هم به محمدباقر قالیباف پیوسته است، او هم حامی عبور از اصولگرایی با ایده نواصولگرایی است. برادر رئیس قوه قضائیه و مقننه البته فقط مدافع تغییر در نگاه و تعریف اصولگرایی نیست، او حتی پای اشخاص را هم به میان کشانده و گفته اولین نتیجه‌ای که چنان اصولگرا باید از انتخابات بگیرد این است که نباید مکانیسم‌های قدیمی و نیروهای پیرمرد مثل بنده، میدان‌دار این بحث شوند... او گفته است: «ان‌شاءالله در دوره بعد و در سال ۱۴۰۰ سازمان‌پذیری نیروهای اصولگرا کاملا روشن شود و باید میدان را برای گفتمان بسیار مدرن اصولگرایانه با نیروهای میدان‌دار جوان باز کنیم». گفته‌های لاریجانی یعنی جریان‌هایی مانند جامعه روحانیت، جامعه مدرسین و حزب مؤتلفه باید کم‌کم از نقش‌آفرینی در معادلات سیاسی اصولگرایان حذف شوند. فرایندی که البته عملا در چند انتخابات اخیر رخ داده است، اما اکنون با تبیین تئوریک و رسانه‌سازی آن می‌توان در بزنگاه‌های انتخاباتی بدون معاونت و سخن‌کش از محوریت جامعیت، عمل کرد. تاجایی‌که روز گذشته ابوالحسن نواب، یک عضو سابق جامعه روحانیت هم به خبرتالاین گفته است «این نهاد از رهبری جریان اصولگرایی در سطح یکی از تشکلات‌های اصولگرایی مثل جامعه مهندسين یا جبهه پیروان رهبری تزلز کرده و دیگر جامعه روحانیت مبارز، رهبری خط اصولگرایان را بر عهده ندارد». اصولگرایان در حالی باخ‌ت‌های اخیر خود را به پای سستی‌ها می‌پوشند که سستی‌ها عملا در این سال‌های اخیر نقش چندانی در تصمیم‌سازی‌های سیاسی اصولگرایان نداشته‌اند یا اگر داشته‌اند، آن‌چنان اثرگذار نبوده‌اند که حالا همه کاسه‌کوزه‌ها بر سر آنها شکسته شود. در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری گذشته، میدان‌دار عرصه، جمعیت ایناگرگان، رهپویان و جبهه پایبداری و چهره‌های نزدیک به آنها بودند تا نهادهای سنتی‌تر. به نظر می‌رسد اصولگرایان به دنبال مقصریابی هستند تا راه‌حل. نخستین‌بار محمدباقر قالیباف بعد از انتخابات از نواصولگرایی را مطرح کرد؛ ایده‌ای که به مذاق سنتی‌ها خوش نیامد و استقبال چندانی از آن نکردند. قالیباف گفته بود: «تحلیل رفتارهای پس از انتخابات برخی دوستان نشان می‌دهد تصمیم‌گیری دراین‌باره در رأس جریان همچنان دچار اختلال است». محمدنبی حبیبی، دبیر کل حزب مؤتلفه در واکنش گفته بود: «اگر مقصود آقای قالیباف از نواصولگرایی، تغییر در اصول باشد، مطلقاً آن را قبول ندارم، من کلمه نواصولگرایی را نه به کار برده‌ام نه قبول دارم». غلامرضا مصباحی‌مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت هم گفته بود: «منشور اصولگرایی، سال‌ها پیش از این از سوی جامعیتن و همه احزاب اصولگرا تعیین و تأیید شده است. این مانیفست اصولگرایی است و قابل تغییر نیست. اگر هم قصد تغییر آن وجود داشته باشد باید توسط ساختاری که آن را تدوین کرده، تغییر یابد».

جامعه مدرسین

ماجرای افول قدرت نهادهای سنتی اصولگرایی به یکی، دو دهه پیش بازمی‌گردد، بااین‌حال ضربه نهایی را بعد از انتخابات ۸۴ خوردند. در نامه‌ای که از سوی محمد یزدی منتشر شد، در انتخابات از علی‌اکبر ولایتی حمایت کرد؛ تصمیمی که البته بعدها اعلام شد تنها از سوی محمد یزدی گرفته شده و مورد موافقت تمامی اعضای این تشکلات نبوده است. یزدی گفته بود برخی از اعضای جامعه مدرسین که نزدیک به مصباح‌یزدی

توصیه محمدجواد لاریجانی به اصولگرایان

پیرمردهایی مثل بنده میدان‌دار نشوند



عکس: مونا موهبتیگر

بوده‌اند، در مقابل انتخاب ولایتی به‌عنوان کاندیدای این جریان شبهه ایجاد کرده‌اند تاجایی‌که به گفته او اختلافات پیش آمده در بحث انتخابات ریاست‌جمهوری باعث شد «کار تا تجزیه جامعه مدرسین هم پیش» برود. آیت‌الله یزدی بعدها گفت: «زمانی که احساس کردم در حوزه، یک حزب و گروهی که اعضای آن خود را منتسب به آیت‌الله مصباح می‌دانند، در حال تشکیل است، در جلسات خصوصی که با بعضی از روحانیون محترمی که با ایشان ارتباط خاص دارند، گفتیم بیایید از تفرقه و تجزیه جلوگیری کنیم، ولی متأسفانه مشکل حل نشد... ما دنبال این بودیم که شکافی وجود نداشته باشد؛ بنده واقعا متأسفم که یک سرمایه‌گر قدر حوزه بخواهد به این شکل آسیب ببیند و متأسفانه این آسیب به آیت‌الله مصباح وارد شد. در جریان انتخابات هم همین آسیب به جامعه مدرسین رسید و آسیب سختی به جامعه مدرسین وارد کردند».

جامعه روحانیت

جامعه روحانیت با از‌دست‌دادن چهره‌هایی مانند ناطق‌نوری و هاشمی‌رفسنجانی و فوت آیت‌الله مهدوی‌کنی، موقعیتش رو به ضعف نهاد. اوج ناکارآمدی جامعه روحانیت مبارز به انتخابات ۹۲ بازمی‌گردد، وقتی که آیت‌الله مهدوی‌کنی حتی نتوانست ولایتی را از رقابت در روزهای آخر منصرف کند. حجت‌الاسلام ملوچی در پاسخ به این سؤال که آیا این مطلب درست است که از طرف دفتر آیت‌الله مهدوی در روزهای پایانی تماس می‌گرفتند و آقای ولایتی امتناع می‌کردند، پاسخ داده: «بله همین‌طور است». حجت‌الاسلام نواب هم درباره پیشینه اختلاف در جامعه روحانیت گفته است: «در جامعه روحانیت مبارز و نه در جامعه مدرسین اعضا هیچ‌وقت یکدست نبودند. سال ۷۶ در جامعه مدرسین قم بین آقای ناطق و آقای ری‌شهری که هر دو کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری بودند، یک طیفی از جامعه مدرسین از آقای ری‌شهری طرفداری کردند». سال ۸۴ حزی جامعه روحانیت بر سر نقش‌آفرینی ناطق‌نوری در شورای هماهنگی نیروهای انقلاب که به‌نوعی کنار روی جامعه روحانیت از نقش‌آفرینی در ماجرای انتخابات بود از او دلخور شد. غلامرضا مصباحی‌مقدم در این‌باره گفته است: «درست است که آقای ناطق محور می‌شد و به یک معنا بروز و ظهور جامعه روحانیت مبارز تهران بود ولی خیلی موردقبول بزرگان جامعه روحانیت نبود چون تلقی می‌شد آقای ناطق دارد این کار را انجام می‌دهد. به‌عبارت دیگر، لزوماً نمایندگی نداشت ولی تأیید می‌شد. این باز

وجه خوب مسئله بود. البته ما شاهد واگرایی‌های بعدی هم هستیم که حتی در همین حد هم خودشان را منصوب نمی‌کردند یا تأیید نمی‌شدند اما افراد برای انتخابات فعال می‌شدند. اجمالا این دوره، دوره واگرایی و به‌نوعی کنارنهادن شیخوخت جامعه روحانیت و جامعه مدرسین است». بعد از شکست در انتخابات ۹۲ برخی از لزوم بازگشت به شیخوخت سخن گفتند. اینکه جریان اصولگرایی برای اینکه به وحدت برسد باید از جامعیتن پیروی کند، مدام گفته می‌شد جامعه روحانیت به‌ویژه، محور انتخابات مجلس قرار خواهد گرفت. نتیجه اما چیز دیگری بود. مشخص شد محوریت قرارگرفتن فقط در لفظ است و جریان‌های جوان‌تر کار خود را می‌کنند و جامعه روحانیت هم لاجرم مجبور به تمکین است. بعد از شکست اصولگرایان در انتخابات مجلس دهم در تهران، مصباحی‌مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت اعتراف کرد فهرست اصولگرایان مقبول اصولگرایان نبوده است. او گفت در جلسه شورای مرکزی روحانیت مبارز قبل از انتخابات زمانی که آن لیست ارائه شد به اتفاق این نظر داده شد که این لیست در مقابل رقبا رقی نمی‌آورد. اما مشخصا جامعه روحانیت توان مخالفت با آن لیست را هم نداشته است.

انتخابات ریاست‌جمهوری که نزدیک شد باز اعلام شد این‌بار واقعا جامعه روحانیت قرار است محور شود. حتی اعلام شد کمیته‌های انتخاباتی‌اش هم تشکیل شده. مصباحی‌مقدم نشست خبری برگزار کرد و گفت برای نخستین‌بار به تقاضای احزاب اصولگرا قرار است جامعه روحانیت به انتخابات شوراها هم ورود کند. با اعلام ناگهانی تشکیل جبهه‌ای تحت عنوان (جما) دوباره جامعه روحانیت به محاق رفت. او هم شد یکی از چندین تشکلات عضو جبهه مردمی نیروهای انقلاب، نه لزوماً محور.

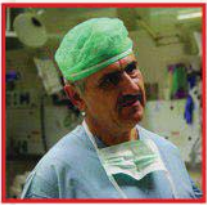
حزب مؤتلفه

حزب مؤتلفه هم در سال‌های گذشته سهمش از ساختار قدرت مدام کم‌تر شده است. هم از نهادهای انتخابی و هم نهادهای انتصابی. در فهرست‌های انتخاباتی اصولگرا معمولا سهم مؤتلفه اندک است. در ماجرای انتخابات مجلس گذشته غفوری‌فرد رسماً بابت کنارگذاشتن از فهرست و جایگزین‌کردنش با چهره‌های جوان و ناشناخته لب به اعتراض و انتقاد کشود و علی‌رغم قول‌وقرارهای قبلی وارد فهرست‌های موازی شد. در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته هم حزب مؤتلفه از ابتدا اعلام کرد قرار است با نامزد حزبی بیاید. مؤتلفه بسیار امیدوارانه انتظار داشت اصولگرایان مصطفی میرسلیم، نامزد این حزب سنتی را به‌عنوان کاندیدای نهایی خود انتخاب کنند. اما او از سوی اصولگرایان عضو جمنما یا اقبال روبرو نشد. مصطفی میرسلیم حتی جز پنج نفر اول جمنما هم نشد تاجایی‌که کار به اختلاف او با مؤتلفه هم کشید. دست‌آخر هم مشخص نشد مؤتلفه از نامزد حزب خود حمایت کرد یا نامزد جمنما. وضعیت مؤتلفه بعد از درگذشت حبیب‌الله عسگرآولادی دچار نوعی بی‌ثباتی شده است. چهره‌های معدود باقی‌مانده چندان خود را در قیدوبند رفتار حزبی نمی‌دانند و در بزنگاه‌ها، طبق تشخیص خود عمل می‌کنند نه تصمیمات حزب.

استقبال محمدجواد لاریجانی از ایده نواصولگرایی یعنی باید منتظر ماند تا در انتخابات ۱۴۰۰ هم جریان‌هایی چون پایداری، ایناگرگان، رهپویان و چهره‌های سیاسی نزدیک به آنها همچنان میدان‌داری کنند.

اختراع جالب یک پزشک ایرانی برای رفع سفیدی مو به صورت دائم

و سپس در سال ۱۳۸۱ به ایران بازگشت . این پزشک به نام، در سال گذشته پس از بررسی های آزمایشگاهی بسیار، موفق به کشف علت سفیدی موها و نیز محصول رفع سفیدی مو شد که رنگ اولیه و اصلی مو را به موهای سفید شده برمی گرداند.



دکتر رحیم منتظری متولد سال۱۳۴۱ شهرستان اصفهان است، او پس از گذراندن دوره دکترا در دانشگاه علوم پزشکی ایران به کشور انگلیس سفر کرده و تحصیلات تکمیلی خود را در رشته تخصصی پوست و مو در این کشور گذراند.

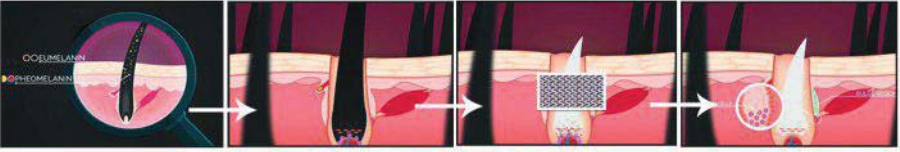
بالاخره علت سفیدی مو راه برطرف کردن دائم آن کشف شد

علت سفیدی موها وپیامد ها

در اثر بالا رفتن سن و نیز عواملی چون تیروئید، استرس، تغذیه و نیز عوامل ژنتیکی دانه های رنگی (ملانین) موجود در اطراف ریشه و فولیکول مو از بین رفته و به تدریج موها رنگ طبیعی خود را از دست داده

و تبدیل به موهای خاکستری و نیز سفید می شوند و اگر این رخداد را برای آقایان بالای ۳۵ سال و نیز خانم های بالای ۳۰ ساله انتظار داریم اما امروز شاهد پدیده ای به نام سفیدی موی زودرس در بین جوانان و حتی نوجوانان هستیم.

که با کاهش اعتماد به نفس و روحیه این افراد همراه خواهد بود. در این راستا شاید اولین راهکار مرتبط رنگ کردن موها باشد اما باید به عواقب آن نظیر ریزش مو و نیز مصنوعی شدن چهره به ویژه در آقایان توجه داشت.



روند رنگ باختن و سفیدی مو

محصول رفع سفیدی مو و سیاه کننده مو از ریشه

شرکت ۵۰۴۰ به دلیل اطمینان بالا از بررسی های بسیار و با کسب مجوز وزارت بهداشت تولید شده است که طی دوره مصرف ۲الی۳ماهه باعث فعال کردن رنگدانه ها و ملانین های اطراف ریشه موهایتان شده و به تدریج با تزریق رنگ به ریشه مو شاهد رویش موی سیاه به جای سفید خواهید بود همچنین این بسته از سفید شدن سایر تارهای مو جلوگیری به عمل آورده به طوری که در پایان مصرف حتی یک تار موی سفید نیز به جا نخواهد ماند.

بسته رفع سفیدی موی ۵۰۴۰ پس از بررسی های بسیار و با کسب مجوز وزارت بهداشت تولید شده است که طی دوره مصرف ۲الی۳ماهه باعث فعال کردن رنگدانه ها و ملانین های اطراف ریشه موهایتان شده و به تدریج با تزریق رنگ به ریشه مو شاهد رویش موی سیاه به جای سفید خواهید بود همچنین این بسته از سفید شدن سایر تارهای مو جلوگیری به عمل آورده به طوری که در پایان مصرف حتی یک تار موی سفید نیز به جا نخواهد ماند.

بسته رفع سفیدی موی ۵۰۴۰ پس از بررسی های بسیار و با کسب مجوز وزارت بهداشت تولید شده است که طی دوره مصرف ۲الی۳ماهه باعث فعال کردن رنگدانه ها و ملانین های اطراف ریشه موهایتان شده و به تدریج با تزریق رنگ به ریشه مو شاهد رویش موی سیاه به جای سفید خواهید بود همچنین این بسته از سفید شدن سایر تارهای مو جلوگیری به عمل آورده به طوری که در پایان مصرف حتی یک تار موی سفید نیز به جا نخواهد ماند.



۲ ماه پس از مصرف

قبل از مصرف

۵040.ir

۴۵۷۳-۰۲۱ (مشاوره رایگان)

جهت اطلاعات بیشتر عدد ۲۱۳

به سامانه پیامکی ۱۰۰۰۵۰۴۰

ضمانت بازگشت وجه